



A Sociological Study of Social Security Insurance Evasion Analysis of the Views of Employers' Activists

Younes Akbari ¹ | Reyhaneh Naderlu ²

1. Corresponding Author, PhD in Sociology, Department of Health Studies, Tehran City Studies and Planning Center, Tehran, Iran. Email: younes.akbari1987@gmail.com

2. PhD Student, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences, University of Zanjan, Zanjan, Iran. Email: reyhaneh.naderlu@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	In order to contribute to the field of social justice, social harm has been taken into account. However, some of the social actions of the activists (employers) disrupt the operation of this organization, the social organization, which is the largest human support strategy in Iran, continues to adhere to its instructions in an organized manner. Insurance is a significant concern in the modern Iranian society, as it has a significant impact on the social system, as well as the security and economic well-being of the population.
Article history: Received: 08 November 2024 Received in revised form: 12 April 2025 Accepted: 17 May 2025 Published online: 20 June 2025	The current issue is examined from the perspective of 11 employers and insurance companies through semi-structured interviews. The output is obtained, coded in MAXQDA software, and the primary category is determined. The research method is qualitative. The library method and document review have been employed for Ashraf and literature and theoretical foundations.
Keywords: Employers, Insurance, Insurance Evasion, Social Security, Workers.	The analysis of the categories obtained indicates that the act of averting insurance is effectively reinforced by personal and moral, political and bureaucratic, prevailing conditions in the work environment, economic, and social conditions. The findings indicate that a sense of distrust in the social solution system and the act of insurance evasion is ultimately induced by factors such as poor management, lack of transparency in social actions, poor administration, unstable job security, informality and lack of transparency in the payment of insurance policies by employers, informal payment, and lack of documented documents from the employer.

Cite this article: Akbari, Y. & Naderlu, R. (2025). A Sociological Study of Social Security Insurance Evasion; Analysis of the Views of Employers' Activists. *Social Studies and Research in Iran*, 14(2):327-343.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388377.1574>



Authors retain the copyright and full publishing rights

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388377.1574>

مطالعه جامعه‌شناختی فرار بیمه‌ای تأمین اجتماعی

تحلیل دیدگاه کنشگران حوزه کارفرمایی

یونس اکبری^۱ | ریحانه ندرلو^۲

۱. نویسنده مسؤل، دکتری جامعه‌شناسی، گروه مطالعات سلامت، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران، ایران. رایانامه: younes.akbari1987@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. رایانامه: reyhaneh.naderlu@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	امروزه تأمین اجتماعی، برای ایفای نقش مؤثر در زمینه عدالت اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، برخی از کنش‌های اجتماعی کنشگران (کارفرمایان)، در روند عملکرد این سازمان خلل وارد می‌کند. سازمان تأمین اجتماعی بزرگ‌ترین ساختار حمایتی انسانی در ایران است که به‌صورت سازمان‌یافته به مأموریت خود ادامه می‌دهد. با وجود این تخلفاتی در این حوزه رخ می‌دهد که از رایج‌ترین آن‌ها می‌توان به فرار بیمه‌ای اشاره کرد. فرار بیمه‌ای از مسائلی است که به دلایل مختلفی در جامعه معاصر ایران به‌شدت رواج پیدا کرده و به‌شدت بر امنیت اجتماعی و اقتصادی افراد و همچنین سیستم تأمین اجتماعی تأثیر گذاشته است. تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر فرار بیمه‌ای کارفرمایان انجام شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۸	روش پژوهش کیفی است که از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از کارفرمایان و کارشناسان بیمه و بیمه‌شدگان انجام گرفت. خروجی در نرم‌افزار مکس کیودا کدبندی و مقوله‌های اصلی استخراج شد. برای اشراف و پیشینه و مبانی نظری نیز از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد استفاده شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱/۲۳	بررسی مصاحبه‌ها حاکی از آن است که ابعاد مختلف فردی و اخلاقی، سیاسی و بوروکراتیک، شرایط حاکم در محیط کار، شرایط اقتصادی و اجتماعی از دلایل مؤثر بر فرار بیمه‌ای از دید کارفرمایان، بیمه‌شدگان و کارشناسان هستند که در زیرمقوله‌های مختلفی مانند ضعف مدیریت، عدم شفافیت کنش‌های تأمین اجتماعی، فساد اداری، ناپایداری امنیت شغلی، مشاغل غیررسمی و عدم شفافیت در واریز بیمه‌نامه‌ها توسط کارفرمایان، پرداخت‌های غیررسمی و نبود مدارک مستند از سوی کارفرما، و درنهایت احساس بی‌اعتمادی به سیستم تأمین اجتماعی تجلی پیدا می‌کند و به فرار بیمه‌ای منجر می‌شود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۷	فرار بیمه‌ای یک معضل چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیط کاری قرار دارد. ضعف مدیریت، عدم شفافیت، فساد اداری و ناکافی بودن مقرری بیمه به بی‌اعتمادی کارگران به سیستم تأمین اجتماعی منجر می‌شود. همچنین شرایط اقتصادی نامناسب و ناپایداری شغلی، انگیزه‌های فرار بیمه‌ای را افزایش می‌دهند. برای مقابله با این چالش، نیاز به حضور فعال دولت، بهبود قوانین و ایجاد ساختارهای شفاف و کارا وجود دارد. تحلیل جامع این ابعاد می‌تواند به تقویت نظام تأمین اجتماعی و کاهش فرار بیمه‌ای کمک کند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۳۰	

کلیدواژه‌ها:

بی‌اعتمادی، تأمین اجتماعی، دولت، فرار بیمه‌ای، فساد..

استناد: اکبری، یونس و ندرلو، ریحانه (۱۴۰۴). مطالعه جامعه‌شناختی فرار بیمه‌ای تأمین اجتماعی؛ تحلیل دیدگاه کنشگران حوزه کارفرمایی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۴(۲): ۳۲۷-۳۴۳. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388377.1574>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388377.1574>

۱. بیان مسئله

تأمین اجتماعی به لحاظ کارکرد و ایفای نقش، رویکرد قابل توجهی در حفظ سرمایه‌های انسانی در بستر جوامع و حیات اجتماعی دارد که دارای ارکان مختلف است. شکل‌گیری این نظام تحت تأثیر تشنج‌ها، جنبش‌ها، مطالبات اجتماعی و... مانند گسترش فقر در طبقات تهی‌دست، وابستگی کارفرمایان به نیروی انسانی و... بوده است. یکی از ارکان اصلی تأمین اجتماعی، سیستم بیمه اجتماعی در هر کشور است (نگوین^۱ و همکاران، ۲۰۲۱) که سیاستی برای اجرای انتخابی عدالت اجتماعی و ابزاری برای توزیع مجدد درآمد بین مشارکت‌کنندگان محسوب می‌شود (لی^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). عملکرد اصلی این ساختار در راستای حمایت و صیانت از نیروی کار در ابعاد مختلف و نهایتاً افزایش تولید، رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مختلف است (ایوانچوک^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). ضرورت و اهمیت بیمه برای جامعه، آن را به صورت نهادی کارکردی و مستحکم درآورده است. امروزه بیش از ۱۴۶ کشور با وجود تفاوت‌های فراوان در چندوچون خدمات ارائه داده‌شده، دارای نظام مدرن تأمین اجتماعی هستند (بویر^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). سازمان تأمین اجتماعی بزرگ‌ترین ساختار حمایتی انسانی در ایران است که به صورت سازمان یافته به مأموریت خود ادامه می‌دهد. این سازمان بر پایه سه رکن اساسی کارگر، کارفرما و دولت، با زندگی میلیون‌ها ایرانی و غیرایرانی به طور مستقیم و غیرمستقیم پیوند دارد (طوسی و همکاران، ۱۳۹۵) و با مسئولیتی که در برابر امنیت درآمد و حفاظت از سلامت افراد جامعه ایفا می‌کند نقش مهمی در پیشگیری و کاهش فقر ایفا می‌کند (بدلی‌وند و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا تأمین مالی بخش عظیمی از هزینه‌های سازمان به عهده بیمه‌شدگان و کارفرمایان است که با پرداخت مبالغی به طور ماهیانه تحت عنوان حق بیمه در تأمین طرح‌های تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد. یکی از رویکردهای حاکم بر سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، رعایت اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای و تعادل منابع و مصارف و تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌های بیمه‌گران اجتماعی است (حیدری، ۱۴۰۲) و یکی از مواردی که تحقق این هدف را با مشکل مواجه می‌کند، فرار بیمه‌ای است. ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی، بر درآمد حاصل از وصول حق بیمه، معادل ۳۰ درصد دستمزد حق بیمه‌شده دلالت دارد. از مقادیر ذکرشده ۷ درصد حق بیمه‌شده، ۳ درصد سهم دولت و ۲۰ درصد سهم کارفرما است. به این ترتیب هرگونه کنش غیرمتعهدانه به عدم پرداخت یا پرداخت نامنظم بیمه فرار بیمه‌ای قلمداد می‌شود و به اخلاف در عملکرد سازمانی و درنهایت ورشکستگی آن می‌انجامد (اله‌یاری و همکاران، ۱۴۰۳). کوتاهی کارفرمایان در پرداخت حق بیمه و ناکامی سازمان تأمین اجتماعی در التزام کارفرمایان به پرداخت حق بیمه از مسائلی است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین تهدید برای تأمین اجتماعی نام برد که پایداری مالی این سازمان را تهدید کرده است (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴). به لحاظ ارتباط مستقیم حمایت‌های آتی با جمع‌آوری حق بیمه، این تهدیدات نه تنها موجب به خطر افتادن منابع درآمدی سازمان می‌شود، بلکه کارگران را در هنگام دریافت حقوق و مستمری بازنشستگی، مستمری بازماندگان، مستمری از کارافتادگی کلی و جزئی با مشکل جدی مواجه می‌کند؛ زیرا مبنای محاسبه این حقوق، دو سال آخر سنوات خدمت کارگر است که در صورت عدم گزارش صحیح توسط کارفرما سبب تضییع حق او خواهد شد (رضایی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). در بسیاری از موارد کارفرما برای رهایی از شرایط دشوار، اعم از شرایط اقتصادی و ارضای نیازهای مادی یا احساسات غالب در جامعه مانند عدالت اجتماعی، راهبردهای غیرقانونی و به ظاهر کم‌خطری را اتخاذ می‌کند که انواع فرار

1. Nguyen
2. Le
3. Ivanchuk
4. Boyer

بیمه‌ای و مالیاتی در این زمره قرار می‌گیرند (بویر و همکاران، ۲۰۲۰). به اعتقاد کارشناسان، فرار بیمه‌ای در سه سطح کارگاهی، تعدادی و ریالی اتفاق می‌افتد. در فرار بیمه‌ای کارگاهی، کارفرما با استفاده از ترفندهایی مانند استخدام قراردادی و کوتاه‌مدت، از تشکیل پرونده بیمه‌ای و ارائه لیست حق بیمه برای کل کارگاه، استنکاف می‌کند. این اتفاق در کارگاه‌های کوچک و معمولاً در فضاهای حاشیه‌ای و دور از چشم رخ می‌دهد. فرار بیمه‌ای تعدادی، عبارت از خط‌خوردن تعدادی از کارگران شاغل در کارگاه از فهرست‌های بیمه ارسالی است. اما متداول‌ترین این روند، فرار بیمه‌ای ریالی است و این زمانی است که کارفرما لیست بیمه را مرتب و ماهانه ارائه می‌دهد و اسامی و تعداد کارگران را نیز واقعی درج می‌کند، اما در ستون دستمزد مبنای کسر حق بیمه، حقوق واقعی کارگر را نمی‌نویسد و به این ترتیب، حق بیمه کمتری به تأمین اجتماعی می‌پردازد؛ بنابراین نیاز به فهمی عمیق و اساسی از علل فرار بیمه‌ای کارفرمایان تأمین اجتماعی وجود دارد تا سازمان مذکور که یکی از اساسی‌ترین نهادهای حوزه رفاه اجتماعی کشور است، به نحو مطلوبی کارکردهای خودش را در این حوزه انجام دهد. در همین راستا نتایج پژوهش حاضر به صورت عملی در قالب ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و کنترل و کاهش فرار بیمه‌ای کارفرمایان به سازمان تأمین اجتماعی ارائه می‌شود تا بخشی از منابع این سازمان که از واریز حق بیمه توسط کارفرمایان تأمین می‌شود، در زمان مقرر و به صورت کافی کسب شود. از آنجا که بیشتر تحقیقات صورت گرفته عمدتاً با محوریت اقتصادی و روش‌های کمی یا ماهیت حقوقی تحریر شده است، ضروری است دیدگاه‌هایی اعم از جامعه‌شناسانه بر این بستر تحقیقاتی نیز ترزریق شود که مبتنی بر استخراج و بررسی ادراکات و مفاهیم کارفرمایان، کارکنان و کارشناسان در راستای عوامل اثرگذار بر موضوع فرار بیمه‌ای است و به جرئت می‌توان گفت این شکاف دیدگاهی پیش‌تر مورد توجه قرار نگرفته است. به این ترتیب تحقیق حاضر با هدف شناسایی علل مؤثر بر فرار بیمه‌ای کارفرمایان انجام گرفت تا درک بهتری از ریشه‌های این پدیده ایجاد شود و از داده‌های این بخش برای کمک به جلوگیری و رفع آن اقدام بهینه انجام گیرد. سؤال اصلی پژوهش این است که فهم کنشگران حوزه کارفرمایی از علل مختلف فرار بیمه‌ای تأمین اجتماعی چیست.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های اخیر مؤید اهمیت تأمین اجتماعی در برقراری عدالت اجتماعی است. در این راستا الهیاری و همکاران (۱۴۰۳) در «تحلیل کیفی پدیده فرار بیمه‌ای: سودجویی کوتاه‌مدت ذی‌نفعان و ناپایداری بلندمدت در تولید رفاه اجتماعی» دریافتند که پدیده فرار بیمه‌ای تحت تأثیر عوامل اقتصادی و ساختاری به وجود می‌آید، مانند تحریم‌ها، تورم، تنش‌های اقتصادی و... میرزایی و همکاران (۱۴۰۲) در «شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر تخلفات بیمه شخص ثالث در بین کارکنان شرکت‌های بیمه» مشخص کردند که عوامل اثرگذار بر تخلفات بیمه‌ای شامل وجود سازمان‌های غیررسمی، عدالت سازمانی در بین کارکنان بیمه، تعهد سازمانی و سایر عوامل مرتبط است. سرگلزایی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی تقلب‌ها و تخلف‌های بیمه‌ای و پیشایندهای مؤثر بر آن‌ها در حوزه بیمه‌های تکمیلی درمان» نشان دادند ضعف نهادهای نظارتی، کمبود نیروی متخصص، تجربه تخصص و تعهد در مدیریت یکپارچه، ناآگاهی بیمه‌شدگان از حقوق خود در روند و میزان تخلفات بیمه‌ای مؤثر بوده است. ایکسیو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «آیا اصلاحات نهادی دولت از فرار مالیاتی و بیمه‌ای شرکت‌ها جلوگیری می‌کند (شواهدی از چین)» به این نتیجه رسیدند که اصلاحات نهادی دولت روشی معتبر برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین دولت و شرکت‌ها است که در نهایت از فرار مالیاتی و بیمه‌ای شرکت‌ها جلوگیری می‌کند. نتایج یافته‌های پالاسیوس^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه «ادغام برنامه‌های بیمه اجتماعی و

1. XU

2. Palacios

کمک‌های اجتماعی برای دنیای آینده کار» حاکی از آن است که سطح اطلاعات سیاست‌گذاران، نوع قوانین و میزان خدمات‌دهی سازمان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرار بیمه‌ای به‌شمار می‌رود. براساس نتایج کستندا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله «انصراف از قرارداد اجتماعی: روحیه مالیاتی و فرار»، خارج شدن فرد از مسیر قرارداد، وضعیت اقتصادی، وضعیت اجتماعی و فساد اداری، حمایت‌های مازاد کارفرمایان از نیروی کار عواملی هستند که بستر را برای فرار مالیاتی و بیمه‌ای مهیا می‌کنند. تحقیق حاضر با رویکردی نو به بررسی موضوع فرار بیمه‌ای می‌پردازد و با لنز جامعه‌شناسانه این موضوع را از منظر فرد، جامعه، اقتصاد، بوروکراسی و... و نقش و شدت عوامل یادشده را در کنش فرار بیمه‌ای تحلیل و بررسی می‌کند.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد پدیده فرار بیمه‌ای تحت تأثیر عوامل اقتصادی، ساختاری و اجتماعی قرار دارد. مطالعات مختلف از جمله الهیاری و همکاران (۱۴۰۳) به تأثیر تحریم‌ها، تورم و عدم تناسب خدمات بیمه با نیازهای واقعی افراد اشاره دارند. همچنین میرزایی و همکاران (۱۴۰۲) و سرگلزایی و همکاران (۱۴۰۲) بر نقش عوامل سازمانی و ضعف نهادهای نظارتی تأکید می‌کنند. در سطح بین‌المللی، ایکسیو و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند اصلاحات نهادی می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی و بیمه‌ای کمک کند. یافته‌های پالاسیوس و همکاران (۲۰۲۰) و کستندا و همکاران (۲۰۱۹) نیز بر اهمیت اطلاعات سیاست‌گذاران و شرایط اقتصادی و اجتماعی در این زمینه تأکید دارند. از جنبه نوآورانه نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که تحقیق حاضر با رویکردی نوین به بررسی کنشگران حوزه کارفرمایی در زمینه فرار بیمه‌ای تأمین اجتماعی می‌پردازد. این تحقیق از دیدگاه جامعه‌شناختی به تحلیل علل مختلف فرار بیمه‌ای از منظر فرد، جامعه، اقتصاد و بوروکراسی می‌پردازد و بر نقش و شدت عوامل یادشده تأکید می‌کند. این رویکرد می‌تواند به درک بهتری از رفتار کارفرمایان و پیامدهای آن بر سیستم تأمین اجتماعی کمک کند و راهکارهایی برای کاهش فرار بیمه‌ای ارائه دهد.

۳. ملاحظات نظری

پیش از ورود به بحث نظری شایان توضیح است که از آنجا که تحقیق کیفی است، در بحث نظری از چارچوب نظری بهره گرفته نمی‌شود؛ چرا که فرضیاتی مستخرج از نظریه‌ها آزمون نمی‌شوند. با وجود این نظریات مرتبط با موضوع تحقیق در قالب ملاحظات نظری در ادامه آورده شده‌اند که به‌نوعی راهنمای فهم و یاریگر محقق در بحث تفسیر و تحقیق و تدقیق مفاهیم باشند.

زنجیره‌ای از شرایط حاکم بر جامعه و سیر نوسانات سینوسی این شرایط، اعم از شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... کنشگران و بازیگران اجتماعی را تحت سیطره و کنترل خود قرار می‌دهد و سرمنشأ عملکرد و ایفای نقش افراد جامعه می‌شود. به عبارت دیگر جغرافیای کلان رفتاری جامعه تا حد زیادی تعیین‌کننده نوع کنش و خروجی رفتاری افراد در راستای مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی اشخاص است که به صور مختلف نمود می‌یابد و دارای ماهیت‌های منفی و مثبت است. در این میان، مسئله مورد توجه بعد منفی عملکرد افراد یا همان کج‌روی اجتماعی است که تحلیل آن مرهون تفاسیر منسجم و نظام‌یافته با رویکردهای جامعه‌شناختی است. با توجه به موارد مذکور و تفسیر و تحلیل موضوع، فرار بیمه‌ای امری اجتماعی است و عوامل و شرایط اجتماعی جامعه در تشدید و تقویت یا تقلیل این کنش نقش مستقیم دارند. با اتکا به نظریه مرتن می‌توان گفت ساختارهای اجتماعی با اعمال فشارهای مشخصی بر افراد جامعه، آن‌ها را به‌سوی کج‌روی و کنش‌های ناهنجار سوق می‌دهد (نایی و همکاران، ۱۳۹۶). از منظر مرتن، دو مورد از

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کنش اجتماعی افراد، چارچوب‌های علائق و اهداف و ساختار اجتماعی است؛ زیرا سازه‌های اجتماعی فعال و تولیدکننده الگوهای رفتاری هستند و دلیل کج‌بودن خرده‌فرهنگ جنایی، پذیرفته‌شدن آن توسط گروه‌های مختلف جامعه در برابر فرهنگ اصلی جامعه است. درواقع هنجارهای این خرده‌فرهنگ‌ها اعضا را مجبور به پذیرش اعمال انحرافی در جامعه می‌کند (درویشی و همکاران، ۲۰۲۲). درعین‌حال ساترلند^۱ دیدگاه دیگری برای تبیین علل کج‌روی اجتماعی ارائه کرده است. از منظر او، بسیاری از صور کج‌روی از یک فرد به فرد دیگر منتقل می‌شود؛ یعنی اینکه اگر فردی در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد، احتمال قانون‌شکنی او افزایش می‌یابد. او اذعان می‌کند برای آنکه فردی تبهکار شود، ابتدا باید شگردهای تبهکاری را بیاموزد و این آموزش از طریق کنش و واکنش با افراد و گروه‌های دیگر به‌دست می‌آید. به نظر او هر فردی، هم با گروه‌ها و افراد منحرف و هم غیرمنحرف برخورد می‌کند و افراد در برخوردهایشان بیشتر تحت تأثیر جامعه ارتباطی قرار می‌گیرند (روزبه، ۱۳۹۷). نظریه پیوند افتراقی به کیفیت و کمیت روابط و تعاملات فرد و بستری و ظرفی که این روابط دارند، توجه نشان می‌دهد و بر تأثیر مثبت و منفی این روابط تأکید می‌ورزد. براساس این نظریه، در جامعه‌ای که حاوی خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است، در برخی از محیط‌های اجتماعی، فعالیت‌های غیرقانونی تا حدی تشویق می‌شوند؛ درحالی‌که در سایر محیط‌ها چنین نیست (بخشی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان ساترلند به مفهوم یقه‌سفیدان در دامن‌زدن به بزهکاری ساختاری نیز اشاره می‌کند. بدین‌صورت ارتکاب جرم محدود به قشر خاصی از منظر جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی نیست و حتی افرادی که در فرایندهای بوروکراسی مشغول هستند، پتانسیل گرایش به بزهکاری را نیز دارند، اما برچسب جرم و ناهنجاری صرفاً طبقه فرودست جامعه را محکوم می‌کند (قورچی‌بیگی، ۱۳۹۸). درنهایت نظریه کلمن که مبتنی بر تحلیل درونی نظام است، رفتار نظام را براساس رفتار کنشگران توجیه و تحلیل می‌کند و دارای سه مؤلفه اساسی است: رابطه نوع اول که نشانگر حرکت از سطح کلان به سطح خرد است. رابطه نوع دوم که مبتنی بر کنش است و کنش‌های کنشگران را توصیف می‌کند. رابطه نوع سوم نیز حرکت از سطح خرد به کلان را شامل می‌شود. این سه نوع رابطه با ترکیب در زمینه‌های مختلف، پدیده‌های اجتماعی متفاوتی را ایجاد خواهند کرد.

کلمن نظریه اجتماعی خود را با تمثیل بازی «شبیه‌سازی اجتماعی» توضیح می‌دهد و بازی را دارای دو جزء می‌داند: بازیگران و ساختار بازی. کنشگران براساس اصل کنش خود که هدفمند است و ساختار بازی عمل می‌کنند. ساختار و قواعد محدوده کنش‌ها و شرایط لازم را فراهم می‌سازند (حرکت کلان به خرد). در سطح بعدی کنش‌ها با هم ترکیب می‌شوند و درنهایت زمینه تازه‌ای را برای کنش‌های بعدی فراهم می‌کنند (حرکت از سطح خرد به کلان) (نصراللهی و همکاران، ۱۴۰۲). براساس نظریات مطرح‌شده، فرار بیمه‌ای کنشی است اجتماعی که ماهیتی منفی را یدک می‌کشد و کج‌روی اجتماعی قلمداد می‌شود. نظریات حاضر، نقش شرایط حاکم جامعه در تقویت بزهکاری را به تصویر می‌کشند که چگونه یک رویکرد و عملکرد تحت تأثیر عوامل ساختاری جامعه مسموم می‌شود و به ناهنجاری و بزهکاری می‌انجامد. مطابق نظریه مرتن، فرار بیمه‌ای اگر کنش اجتماعی ناهنجار قلمداد شود، ماهیت ساختار اجتماعی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی جامعه به‌مثابه اهرم فشار عمل می‌کند. این امر ناتوانی و ناکامی افراد در نیل به اهداف را در پی دارد که موجب کج‌روی و سرپیچی از هنجارهای پذیرفته‌شده نهادی می‌شود و درنهایت به‌صورت فرار بیمه‌ای نمود می‌یابد. از طرف دیگر از دیدگاه نظریه ساترلند می‌توان چنین بیان کرد که نقش کنش‌ها و جغرافیای رفتاری حاکم در تقویت این موضوع (فرار بیمه‌ای) خصوصاً در سطح کلان (مانند کنش‌های سازمانی و مواجهه با یقه‌سفیدان تخطی‌کننده) می‌تواند بسیار مؤثر باشد. به این صورت که اگر فرد در هنگام مواجهه با تخطی کنشگران اصلی جامعه قرار گیرد، کج‌روی، سرپیچی و فرار با سهولت بیشتری برای او

امکان‌پذیر است. به این ترتیب می‌توان گفت فرار بیمه‌ای چه در سطح کلان و چه در سطح خرد، همان‌طور که کلمن معتقد است، از متن و زمینه تأثیر می‌گیرد و با شدتی رفتاری که بر زمینه و درون سیستم حاکم است حالت می‌پذیرد و زمینه را برای تغییر و ایجاد شرایط جدید مهیا می‌سازد.

۴. روش پژوهش

با در نظر گرفتن ماهیت موضوع پژوهش، روش مطالعه کیفی است. گردآوری اطلاعات به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی و اشراف به پیشینه تحقیق از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. گردآوری داده‌ها با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. در این پژوهش با ۱۱ نفر مصاحبه عمیق انجام شد. به منظور بررسی پایایی آزمون، از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند آزمون انتخاب شد و هر کدام در زمان مشخص دو بار کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از آزمون‌ها با هم مقایسه شدند (مشخص کردن توافق و عدم توافق). به عبارت دیگر، برای مشخص کردن پایایی بازآزمون همچنین روایی تحقیق، خروجی‌های مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و توسط آن‌ها تأیید شد. شایان ذکر است که قاعده خاصی برای انتخاب تعداد نفرات وجود نداشت و در مصاحبه با نفر یازدهم، اشباع نظری حاصل شد. از ۱۱ مشارکت‌کننده در این تحقیق ۸ نفر مرد و ۳ نفر زن بودند که به صورت نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی^۱ بهره گرفته شد و مضامین اصلی انتخاب و استخراج شدند. در تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی تحقیق سعی شد از به کار گرفتن مقوله‌ها و پیش‌پنداشته‌ها پرهیز شود. در عوض ترتیبی داده شود که مضامین اصلی از دل مصاحبه‌ها ناشی شود. کدبندی مصاحبه‌ها با نرم‌افزار مکس کیودا انجام گرفت. بدین صورت که پس از مکتوب کردن داده‌ها به منزله کدگذاری (مقایسه، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی) متن مصاحبه به صورت کامل بررسی شد. در مرحله دوم کدگذاری محوری صورت گرفت (ارتباط میان کدهای باز، طبقه‌بندی و استخراج مقوله‌های کلان) و در نهایت داده‌ها یکپارچه‌سازی و پالایش شدند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	حوزه خدمت	سابقه کاری
۱	مرد	۳۴	دیپلم	مدیریت و تولیدات لوازم آرایشی-بهداشتی	۱۸
۲	مرد	۴۵	دکتری	مدیریت کارخانه روی	۲۲
۳	مرد	۴۷	دکتری	مشاور مالی جهاد	۲۰
۴	مرد	۶۵	فوق لیسانس	مدیریت پمپ‌بنزین و سازه برج	۳۰
۵	مرد	۴۰	فوق لیسانس	مدیریت و تولیدی پوشاک مردانه	۱۵
۶	مرد	۴۱	دیپلم	آژانس ماشین‌آلات سنگین	۱۸
۷	مرد	۶۰	فوق لیسانس	مدیریت کارخانه فرآورده‌های لبنی	۳۵
۸	مرد	۴۲	لیسانس	سازنده	۱۸
۹	زن	۴۲	لیسانس	کارشناس بیمه	۱۰
۱۰	زن	۲۹	فوق لیسانس	کارشناس بیمه	۷
۱۱	زن	۳۱	لیسانس	کارشناس بیمه	۱۵

۵. میدان تحقیق

براساس داده‌های جدول ۱، در این پژوهش ۱۱ فرد شامل ۸ مرد و ۳ زن بررسی شدند. سن افراد از ۲۹ تا ۶۵ سال متغیر و میانگین سنی آن‌ها ۴۲ سال است. ۲ نفر دارای تحصیلات دکتری، ۴ نفر فوق‌لیسانس، ۳ نفر لیسانس و ۲ نفر دیپلم هستند. این امر نشان‌دهنده تنوع تحصیلی در میان مشارکت‌کنندگان است. سابقه کاری در این گروه نیز قابل توجه است. میانگین سابقه کاری افراد ۱۷ سال است که تجربه و تخصص آنان را در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد. به‌طور خاص، میانگین سابقه کاری مردان ۱۹ سال و میانگین سابقه کاری زنان ۱۰ سال است. افراد منتخب برای مصاحبه به قشر خاصی محدود نیستند و از تمامی اقشار جامعه اعم از کارفرمایان، کارگران و کارشناسان بهره گرفته شد. این داده‌ها می‌توانند به تحلیل زیرساخت‌های شغلی و توزیع تجربیات در حوزه‌های کاری کمک کنند.

۶. یافته‌های تحقیق

در این بخش با توجه به جدول ۲ ابعاد محوری فرار بیمه‌ای از ذهنیت مشارکت‌کنندگان براساس کدبندی‌های باز تفسیر و توضیح داده می‌شوند و برای هریک نیز شواهدی مستند از مصاحبه‌های انجام‌شده ذکر می‌شود.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده براساس تحلیل مصاحبه‌ها

مقوله اصلی	ابعاد محوری	مفاهیم
ناامنی شغلی و اقتصادی علت فرار بیمه‌ای	بعد فردی و اخلاقی فرار بیمه‌ای	امتناع نیروی کار از بیمه در قبال حقوق بیشتر، آگاهی بیش‌ازحد کارفرما از خلأهای قانونی و میان‌برها، نبود وجدان اخلاقی، حرص و منفعت‌طلبی
	بعد سیاسی و بوروکراتیک فرار بیمه‌ای	گسترش مسیرهای فرار بیمه، عدم شفافیت کنش تأمین اجتماعی، خلأ و کاستی‌های قوانین، ضعف مدیریت، نبود ساختار منسجم، سوءاستفاده کارمندان از ضعف سیستم (فساد اداری)، عدم کفایت مقرری بیمه، عدم ارائه خدمات مکفی، نبود کمبود مأموران بیمه، ضعف مشوق‌های مالی و بیمه‌ای تأمین اجتماعی، ضعف بازرسی و نظارت از سوی تأمین اجتماعی، نبود سامانه هوشمند، عدم تناسب جرم و مجازات، بوروکراسی ضعیف
	بعد شرایط محیط کاری فرار بیمه‌ای	امنیت شغلی ناپایدار، مشاغل غیررسمی، عدم شفافیت شغلی و کارفرمایی در مشاغل فضای مجازی، نبود ساختار منسجم، عدم ارائه لیست کامل بیمه‌شدگان توسط کارفرما، بی‌ثباتی نیروی کار، استفاده از کارگران در دو محیط و پرداخت یک بیمه، پرداخت دستی حقوق از سوی کارفرما و نبود مدرک برای اثبات، رد کردن مأموریت برای نیروی کار، توسل به شرکت‌های پیمانی برای کاهش سهم بیمه
	بعد اجتماعی فرار بیمه‌ای	بی‌اعتمادی به تأمین اجتماعی، احساس تبعیض، ضعف سازمان تأمین اجتماعی در اطلاع‌رسانی، عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کنش‌های فردی، کارفرمای غیربومی، استفاده از اتباع خارجی، تهدید به اخراج کارگران توسط کارفرمایان، دیدگاه‌ها و نگرش‌های منفی به بیمه و تأمین اجتماعی، استفاده از جنسیت و اقشار خاص در واحد شغلی مثل زنان و کودکان کار، محدودیت تحصیلات و مهارت‌های فنی کارگران، تحصیلات کم کارکنان بیمه
	بعد اقتصادی فرار بیمه‌ای	حقوق ناکافی کارمندان، رکود اقتصادی، عدم برخورداری کارگران از پایگاه اقتصادی مناسب، عدم انتقال سند به‌صورت رسمی، پرداخت بیمه کمتر از ارزش واقعی ملک، اقتصاد دستوری، بیکاری در جامعه، بحران‌های اقتصادی، هزینه‌های گزاف بیمه، هزینه‌های زیاد ایجاد و استقرار واحدهای تولیدی، تورم، درآمد ناکافی کارفرمایان، بی‌ثباتی بازار

۱-۶. بعد فردی و اخلاقی فرار بیمه‌ای

فرار از بیمه پدیده‌ای است که در جوامع مختلف به اشکال گوناگون دیده می‌شود و عوامل متعددی در آن دخیل هستند. یکی از دلایل عمده‌ای که کارگران به‌رغم آگاهی از پیامدهای منفی و قانونی، از بیمه اجتناب می‌کنند، پیشنهاد حقوق بیشتر از سوی کارفرمایان

است. بسیاری از کارگران با چشم‌پوشی از مزایای بیمه‌ای، به این امید که با دریافت حقوق بیشتر زندگی بهتری داشته باشند، قراردادهایی را امضا می‌کنند که در آن‌ها درواقع از حقوق خود صرف‌نظر می‌کنند. این عمل نه تنها بر سلامت مالی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند نمایانگر نبود درک لازم درخصوص ارزش واقعی بیمه و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و اجتماعی کارگران باشد. از سوی دیگر، کارفرمایان نیز در این زمینه نقشی محوری ایفا می‌کنند. آگاهی بالای برخی کارفرمایان از خلأهای قانونی و امکان سوءاستفاده از شرایط اقتصادی می‌تواند به فرار بیمه‌ای منجر شود. این کارفرمایان با تمسک به عواملی مانند بی‌توجهی به قوانین کار یا مستخدمان، خود را از مسئولیت‌های قانونی دور نگه می‌دارند و به دنبال حداکثرسازی سود خود هستند. رفتار این کارفرمایان نشان‌دهنده حرص و حب به منفعت است. آن‌ها ترجیح می‌دهند به جای پرداخت حق بیمه‌ای که ممکن است به نفع کارگران باشد، به شکل‌های دیگری از فشار اقتصادی بر کارگران سوءاستفاده کنند.

در بعد فردی، فرار از بیمه به نوعی نشان‌دهنده عدم پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی در روابط کاری است. افرادی که با این آگاهی انتخاب می‌کنند از بیمه صرف‌نظر کنند، معمولاً به نفع خود دست به چنین اقداماتی می‌زنند و این موضوع نکته‌ای است که می‌تواند نشان‌دهنده نداشتن وجدان اخلاقی در تصمیم‌گیری باشد. وقتی افراد فقط به فکر سود شخصی هستند و وضعیت خود را به خطر می‌اندازند، درواقع به مسئولیت‌های اجتماعی و انسانی خود بی‌توجه‌اند. همین رفتارهای فردی درمجموع سبب ایجاد فرهنگی منفی در جامعه می‌شود که در آن، نفع فردی بر اصول اجتماعی و اخلاقی ارجحیت می‌یابد. درواقع فرار بیمه‌ای نه تنها عواقب شخصی و مالی برای کارگران به دنبال دارد، بلکه می‌تواند به تضعیف بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه منجر شود. جامعه‌ای که در آن افراد به‌طور خودخواسته از حقوق خود صرف‌نظر می‌کنند، به تدریج در معرض خطرات اقتصادی و اجتماعی بیشتری قرار می‌گیرد. این نوع رفتار می‌تواند به افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، تضعیف شبکه‌های حمایتی اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی منجر شود؛ بنابراین، ضروری است که هم کارگران و هم کارفرمایان از عواقب این نوع رفتارها آگاهی بیشتری پیدا کنند و در راستای ایجاد محیط‌های کاری سالم‌تر و به‌منظور حفظ حقوق انسانی و قانونی یکدیگر اقدامات مؤثری انجام دهند.

۲-۶. بعد سیاسی و بوروکراتیک فرار بیمه‌ای

فرار از بیمه پدیده‌ای پیچیده است که ریشه‌های آن به ابعاد سیاسی و بوروکراتیک مختلفی برمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین دلایل، عدم شفافیت در اقدامات سازمان تأمین اجتماعی است که موجب ابهام و سوءتفاهم در میان بیمه‌شدگان و این سازمان می‌شود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به این نکته اشاره کردند که عدم شفافیت در قوانین و مقررات بیمه‌ای سبب می‌شود افراد و حتی کارفرمایان در این زمینه سردرگم شوند و به دلیل عدم اطمینان از پیامدها و فرایندها، از شمول بیمه فرار کنند. علاوه بر این، خلأ و کاستی‌های قانونی که در نظام تأمین اجتماعی وجود دارد، می‌تواند سبب شود که افراد و شرکت‌ها به دنبال راه‌حل‌های فرار از بیمه و یافتن مسیرهای غیررسمی باشند؛ برای مثال، کمبود و ناکارآمدی در قوانین و مقررات به‌وضوح نمایان است و این می‌تواند موجب شود کارفرمایان به دنبال فرار از بار مالی بیمه‌ها باشند. در این زمینه، ضعف مدیریت و نبود یک ساختار منسجم در سازمان تأمین اجتماعی نیز موقعیت را دشوارتر می‌کند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان از نبود یک رویکرد جامع در راهبری این سازمان انتقادات زیادی دارند و بر این باورند که بدون وجود یک مدیریت قوی، هیچ‌گاه نمی‌توان به صورت مؤثر از فرار بیمه‌ای جلوگیری کرد.

فساد اداری که به عدم کفایت مقرری بیمه و کمبود ارائه خدمات مناسب منجر می‌شود، یکی دیگر از مسائل جدی در این زمینه است. برخی از کارمندان به دلیل ضعف سیستم از موقعیت خود سوءاستفاده می‌کنند و این رفتار ناپسند را در ساختار ضعیف سازمان تأمین

اجتماعی پنهان می‌کنند. درواقع، این دیوان‌سالاری ضعیف و فساد موجود، به‌نوبه خود مزید بر علت می‌شود و فضای ناامنی برای بیمه‌شدگان ایجاد می‌کند. کمبود تعداد مأموران بیمه و ضعف مشوق‌های مالی و بیمه‌ای نیز موجب می‌شود سازمان تأمین اجتماعی نتواند به‌طور مؤثر و کارآمد به وظایف خود عمل کند. در این راستا، مشارکت‌کنندگان مطرح کردند که با توجه به نبود منابع انسانی کافی و عدم ارائه مشوق‌های لازم، انگیزه افراد در جهت پیوستن به سیستم بیمه از بین می‌رود. این مسئله به‌وضوح در تقاضا برای خدمات بیمه‌ای و تمایل کارفرمایان به بیمه‌کردن کارکنان آسیب می‌زند. ضعف نظارت و بازرسی از سوی تأمین اجتماعی نیز به فرار بیمه‌ای کمک می‌کند. درواقع، نبود یک سیستم بازرسی و نظارت قوی به اعمال استانداردهای ضعیف منجر می‌شود که درنهایت، افراد را به سمت رعایت‌نکردن الزامات بیمه‌ای سوق می‌دهد. بسیاری از افراد گزارش دادند که به‌دلیل کمبود نظارت، کارفرمایان به‌راحتی از بیمه‌کردن کارکنان خود فرار می‌کنند و نگران عواقب قانونی آن نیستند. نبود سامانه‌های هوشمند و مکانیزه نیز یکی از عواملی است که در ایجاد پیچیدگی و عدم شفافیت در فرایند بیمه تأثیرگذار است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر این عقیده‌اند که نبود این سامانه‌های فناوری در سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند به بروز خطاها و مشکلات در ارائه خدمات و مدیریت بیمه منجر شود. درواقع، نبود داده‌های دقیق و هوشمند به تصمیم‌سازی‌های نادرست در این زمینه می‌انجامد. در همین راستا تناسب‌نداشتن جرم و مجازات در حوزه تأمین اجتماعی موجب می‌شود فرار بیمه‌ای به یک رفتار مرسوم و نگران‌کننده تبدیل شود. وقتی مجازات و عواقب قانونی برای تخلفات بیمه‌ای به حد کافی قوی نباشند، افراد و کارفرمایان با خیال راحت به دستکاری و فرار از سیستم بیمه‌ای ادامه می‌دهند.

۳-۶. بعد شرایط محیط کاری فرار بیمه‌ای

فرار بیمه‌ای در محیط‌های کاری غیررسمی و به‌ویژه در مشاغل فضای مجازی به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی شناخته می‌شود که به عوامل متعددی بستگی دارد. از مهم‌ترین این عوامل، عدم شفافیت شغلی و کارفرمایی است که در بسیاری از مشاغل غیررسمی وجود دارد. در این خصوص، یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش تأکید کرد: «بسیاری از کارفرماها هیچ‌گونه اطلاعات روشنی درباره شرایط کاری و قراردادهای مربوط به بیمه ارائه نمی‌دهند و این موجب بی‌اعتمادی در میان کارگران می‌شود.» درواقع، نبود ساختار منسجم و دستورالعمل‌های روشن در این نوع مشاغل، به عدم اطمینان و بی‌ثباتی منجر می‌شود. علاوه‌براین، ناپایداری شغلی و بی‌ثباتی نیروی کار از دیگر عواملی است که به فرار بیمه‌ای کمک می‌کند. یکی از کارکنان گفت: «ما هیچ تضمینی برای ماندن در شغلمان نداریم. ممکن است امروز کار کنیم و فردا از ما خواسته شود که دست از کار بکشیم.» این بی‌ثباتی سبب می‌شود بسیاری از افراد تصمیم بگیرند به‌جای افزایش فشار برای دریافت بیمه، به مشاغل بدون بیمه روی آورند. روش‌های پرداختی نیز که کارفرماها در این مشاغل انتخاب می‌کنند، به فرار بیمه در محیط کار کمک می‌کند. بسیاری از کارفرماها حقوق کارکنان را «دستی» پرداخت می‌کنند و هیچ مدرکی که نشان دهد حقوق دریافتی خود را از چه طریقی دریافت کرده‌اند، وجود ندارد. این یکی از دلایل مهمی است که کارگران به بیمه توجه نمی‌کنند و حتی ممکن است از آن صرف‌نظر کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «برخی از افراد که در صنف ما مشغول هستند (تولید پوشاک) بیمه شخص را پرداخت نمی‌کنند و حقوق افراد را به‌صورت دستی پرداخت می‌کنند و هیچ نوع رسید و مدرکی در اختیار شخص قرار نمی‌دهند تا شخص هیچ مدرکی برای اثبات نداشته باشد.»

توسعه شرکت‌های پیمانی به‌منظور کاهش سهم بیمه نیز یکی دیگر از عواملی است که بر فرار بیمه‌ای مؤثر است. این شرکت‌ها گاهی کارکنان را در دو محیط مختلف به کار می‌گیرند، اما فقط برای یک محیط بیمه پرداخت می‌کنند. یکی از افراد در این زمینه

توضیح می‌دهد: «شرکت‌های بیمانی جهت واجد شرایط بودن پرداخت بیمه با مبلغ کمتر نسبت به سایرین از روش‌های مورد توجه برای فرار بیمه‌ای بهره می‌برند؛ به‌طوری‌که افراد برای تقلیل هزینه بیمه به این شرکت‌ها متوسل می‌شوند.»

به‌علاوه، عدم ارائه لیست کامل بیمه‌شدگان از طرف کارفرما، فضای ابهام‌آمیزی را در روابط کار ایجاد می‌کند که به احساس ناامنی منجر می‌شود. یکی از شرکت‌کنندگان بیان می‌کند: «بنده زمانی که مدیریت چند واحد تجاری را برعهده داشتم، اصولاً از دو برابر نیروی کاری را که لیست آن‌ها را در اختیار بیمه قرار داده بودم استخدام کرده بودم و مشغول بودند. لذا در زمان مراجعه مأموران بیمه این افراد را پنهان می‌کردم. بیشتر این افراد از اتباع خارجی بودند.»

درنهایت، رد کردن مأموریت‌های کاری برای نیروی کار نیز به احساس فرار بیمه کمک می‌کند. نیروی کار ممکن است به‌دلیل ناتوانی در ارائه مدارک یا گواهی‌های سالیان گذشته، با مشکلاتی روبه‌رو شود که همین سبب اجتناب از بیمه می‌شود. یکی از کارگران اشاره می‌کند: «در برخی از موارد مشاهده می‌شود که کارفرما برای شخص نیروی کار مأموریت رد کرده که در این روش چون مأموریت مستلزم بیمه نیست، برای فرد مشغول بیمه رد نمی‌شود و سهل‌انگاری و عدم بررسی این موضوع توسط مأموران بیمه موجب ادامه این فرایند از طرف کارفرمایان می‌شود.»

درمجموع، فرار بیمه‌ای در محیط‌های کاری غیررسمی و در شرایط کار و مدیریت مبتنی بر عدم شفافیت و بی‌ثباتی، یک مشکل ساختاری است. این مسئله نیازمند توجه جدی از سوی مسئولان و کارفرماها به‌منظور بهبود ساختارهای کاری و تسهیل فرایندهای بیمه‌ای است. بدین ترتیب، می‌توان به تقویت روابط کار و بهبود شرایط کاری پرداخت و از پدیده‌های منفی نظیر فرار بیمه‌ای جلوگیری کرد.

۴-۶. بعد اجتماعی فرار بیمه‌ای

فرار بیمه‌ای یکی از معضلات جدی در جامعه ما است که ریشه‌های اجتماعی عمیقی دارد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به سازمان تأمین اجتماعی و خدمات آن احساس بی‌اعتمادی دارند. این بی‌اعتمادی نه‌تنها ناشی از ضعف‌های ساختاری این سازمان، بلکه منبعث از تجربه‌های ناخوشایند قبلی آن‌ها است. افرادی که به‌دلیل دریافت ناکافی خدمات یا عدم اطلاع‌رسانی مناسب، از بیمه و تأمین اجتماعی ناامید شده‌اند، بیشتر در معرض این احساس تبعیض و بی‌عدالتی قرار می‌گیرند.

احساس تبعیض، به‌ویژه در مواقعی که کارفرمایان غیربومی و مهاجران در محل کار حضور دارند، به‌شدت افزایش می‌یابد. کارگران محلی هنگام مواجهه با استخدام اتباع خارجی، احساس می‌کنند که حقوق و خدمات آن‌ها نادیده گرفته شده و بیشتر تحت فشار قرار دارند. این حس به‌نوبه خود موجب می‌شود که آنان هرچه بیشتر به بیمه و خدمات اجتماعی بی‌اعتماد شوند و ترجیح دهند در چارچوب‌های غیررسمی کار کنند.

خشمی که از ناحیه کارفرمایان به کارگران تحمیل می‌شود، به شکل تهدید به اخراج کارگران مشاهده می‌شود. کارفرمایان در برخی موارد، حتی با تهدید کارگران به اخراج آن‌ها به‌خاطر استفاده از حقوق قانونی‌شان برای بیمه و تأمین اجتماعی، فشار سنگینی بر آن‌ها اعمال می‌کنند. این رفتار نه‌تنها توجیه‌پذیر نیست، بلکه به‌نوعی نشانه‌ای از عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتارهای فردی است که بر روحیه و انگیزه کارگران تأثیر منفی می‌گذارد.

دیده می‌شود که کارفرمایان غالباً از میان اقشار خاصی که دارای تحصیلات محدود یا مهارت‌های فنی اندک هستند، اقدام به استخدام نیرو می‌کنند. در این راستا، زنان و کودکان اغلب به‌عنوان نیروی کار انتخاب می‌شوند. این موضوع خود به تبدیل کارگران

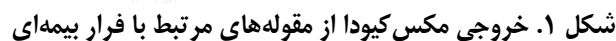
به افرادی با محدودیت‌های آموزشی و مهارتی منجر می‌شود؛ چرا که این افراد به دلیل مشکلات مالی و اجتماعی، هیچ‌گونه فرصتی برای بهبود تحصیلات خود ندارند. نتیجه این وضع، تحصیلات اندک کارکنان بیمه و در نهایت فرار آن‌ها از بیمه‌های اجتماعی است. به‌طور کلی، رفتارهای منفی با بیمه و تأمین اجتماعی، بخشی از فرهنگ و نگرش عمومی را شکل می‌دهد. افراد آموخته‌اند که بیمه به معنای بار مالی است و نه امنیت شغلی. این مسئله به‌نوبه خود موجب می‌شود که کارگران به‌جای ثبت‌نام و استفاده از خدمات بیمه‌ای، به‌دنبال کار در بازارهای غیررسمی باشند. این رفتار به شکل چرخه‌ای تکرار می‌شود و مشکلات عمیق اجتماعی و اقتصادی را استمرار می‌بخشد.

در نهایت، برای حل معضلات فرار بیمه‌ای باید به این مسائل اجتماعی توجه ویژه‌ای کرد و سیاست‌گذارها و نهادهای مشورتی اجتماعی باید تلاش کنند تا از طریق اطلاع‌رسانی بهتر، اعتماد عمومی به‌وجود آورند. همچنین ایجاد پل‌های ارتباطی مؤثر بین کارگران و سازمان‌های تأمین اجتماعی، اجرای برنامه‌های آموزشی و حمایتی، و اصلاح نگرش‌های اجتماعی به بیمه می‌تواند به بهبود وضعیت موجود کمک کند. با ایجاد تغییرات مؤثر در این حوزه‌ها، نه تنها می‌توان دسترسی کارگران به بیمه و خدمات اجتماعی را بهبود بخشید، بلکه می‌توان از بروز آسیب‌های اجتماعی بیشتر ناشی از فرار بیمه‌ای نیز جلوگیری کرد.

۵-۶. بعد اقتصادی فرار بیمه‌ای

عوامل اقتصادی متعددی در بروز فرار بیمه‌ای نقش دارند. یکی از مهم‌ترین دلایل این مشکل، حقوق ناکافی کارمندان است. کارگران با درآمد محدود خود به‌سختی می‌توانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند و در این شرایط، پرداخت حق بیمه هزینه‌ای اضافه و غیرضروری به‌نظر می‌رسد. طبق بررسی‌های انجام‌شده، بسیاری از کارگران به‌دلیل نداشتن پایگاه اقتصادی مناسب، تصمیم می‌گیرند از بیمه بگذرند؛ زیرا این هزینه برای آن‌ها به‌شدت سنگین است.

رکود اقتصادی نیز به‌عنوان عاملی کلیدی در این فرایند عمل می‌کند. در دوران رکود، بسیاری از کارفرمایان با کاهش درآمد مواجه می‌شوند و به همین دلیل سعی می‌کنند هزینه‌ها را کاهش دهند. یکی از اقداماتی که در این راستا انجام می‌شود، کاهش پرداخت‌های بیمه برای کارمندان و کارگران است. این شرایط به‌ویژه در صنایعی که بیشترین آسیب را از رکود می‌بینند، مشهودتر است. عدم انتقال سند به‌صورت رسمی و همچنین پرداخت بیمه کمتر از ارزش واقعی ملک، به بی‌اعتمادی در میان کارکنان و کارفرمایان منجر می‌شود. بسیاری از کارگران فکر می‌کنند خدماتی که دریافت می‌کنند، در برابر مالیاتی که پرداخت می‌کنند، ارزشی ندارد. از نظر آن‌ها، عدم انتقال سند به‌صورت رسمی به معنای نبود امنیت شغلی و حقوقی است که این خود سبب می‌شود تا به‌سمت فرار از بیمه تمایل پیدا کنند. اقتصاد دستوری و بیکاری در جامعه نیز از دیگر عوامل مؤثر در فرار بیمه‌ای است. در اقتصاد دستوری، بسیاری از تصمیمات به‌صورت تحمیلی گرفته می‌شود و کارگران احساس می‌کنند در فرایندهای تصمیم‌گیری جایی ندارند. افزایش بیکاری نیز دسترسی به شغل و درآمد مناسب را برای بسیاری از افراد کاهش می‌دهد و در نتیجه، بیمه هزینه‌ای غیرضروری تلقی می‌شود. این مسیر به تحلیل‌رفتن پرداخت‌های بیمه و تضعیف شبکه اجتماعی بیمه‌گذاری می‌انجامد. همچنین بحران‌های اقتصادی و هزینه‌های گزاف بیمه، بر شدت این پدیده افزوده است. در شرایطی که تورم به‌طور پیوسته افزایش و قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد، کارگران به‌ناچار باید اولویت‌های خود را تعیین کنند. بیمه هزینه‌ای اختیاری درنظر گرفته می‌شود و در نتیجه، بسیاری از آن‌ها به‌جای پرداخت بیمه، بودجه خود را صرف تأمین نیازهای اولیه زندگی می‌کنند. علاوه‌براین، هزینه‌های زیاد ایجاد و استقرار واحدهای تولیدی نیز در این زمینه تأثیرگذارند. کارفرمایان به‌دلیل مسائل مالی و اقتصادی، تمایل دارند هزینه‌های خود را کاهش دهند و به همین دلیل از پرداخت بیمه مناسب برای کارگران خود صرف‌نظر می‌کنند. ابهام در بازار و بی‌ثباتی آن نیز زمینه‌ساز ایجاد فضای نامطمئن برای کارگران و



فرار بیمه‌ای از مسائلی است که به دلایل مختلفی در جامعه معاصر ایران به شدت رواج پیدا کرده و بر امنیت اجتماعی و اقتصادی افراد و همچنین سیستم تأمین اجتماعی تأثیر گذاشته است. این پدیده را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد، از جمله ابعاد فردی و

اخلاقی، سیاسی و بوروکراتیک، محیط کاری و شرایط اجتماعی و اقتصادی. در این پژوهش به بررسی علل و عوامل مؤثر بر فرار بیمه‌ای براساس نظر مشارکت‌کنندگان پرداخته شد.

قبل از پرداختن به تفاسیر مقوله‌ها، باید بیان شود که سه نظریه مورد توجه در روند تحقیق، نتایج را پشتیبانی می‌کند و نتایج از طریق نظریه مرتن تأیید می‌شود که معتقد است ساختار اجتماعی و آمال و اهداف اشخاص در جامعه بر کج‌روی آنان در مسئله فرار بیمه‌ای مؤثر است. همچنین کنش‌ها و برهم‌کنش اجتماعی و رفتارهای حاکم در جامعه از منظر ساترلند و تکثیر و تکرار این رفتارها خصوصاً نوع ناهنجار گونه آن‌ها در میدان‌های بوروکراسی، اداری-سیاسی هرچه بیشتر بر کج‌روی مورد نظر در این تحقیق که موضوع فرار بیمه‌ای است مؤثر است. درنهایت بنا به نظر کلمن، پس از تأثیر متقابل کنش و جامعه، نوعی زمینه و ساختار جدید به‌مثابه یک پارادایم نوین رفتاری شکل می‌گیرد که نتیجه عملکرد بازیگران و کنشگران است. شاید در باب موضوع فرار بیمه‌ای بتوان گفت با تداوم شرایط ساختاری حاکم، زمینه‌های نوین فرار بیمه‌ای در آینده مهیا می‌شود و به‌صورت اشکال جدید نمود می‌یابد. با توجه به موارد ذکرشده می‌توان نتیجه گرفت که در بعد فردی و اخلاقی، یکی از دلایل اصلی فرار بیمه‌ای، عدم تمایل شخصی نیروهای کار به بیمه‌شدن در ازای دریافت حقوق بیشتر است. این تصمیم معمولاً به‌دلیل ناامنی شغلی و اقتصادی اتخاذ می‌شود. بسیاری از کارگران و کارکنان به‌دلیل بی‌ثباتی بازار کار و ناپایداری شغلی احساس می‌کنند که بیمه‌گذاری به‌جای کمکی به آنان ممکن است به محدودیت‌های بیشتری منجر شود. علاوه‌براین، آگاهی کارفرما از خلأهای قانونی و امکان تحمیل فشار به کارگران برای کاهش مزایا نیز در این فرایند نقش دارد. به‌نوعی، برخی از کارفرمایان به‌دلیل حرص و منفعت‌طلبی خود، از ابزارهایی استفاده می‌کنند که فرار بیمه‌ای را تقویت می‌کند.

نتایج نشان می‌دهد بعد سیاسی و بوروکراتیک، عواملی مانند ضعف مدیریت، عدم شفافیت کنش‌های تأمین اجتماعی و فساد اداری نیز تأثیر بسزایی بر فرار بیمه‌ای دارند. ناکافی‌بودن مقرری بیمه و نبود ساختار منسجم، کارکرد بهینه سیستم تأمین اجتماعی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و همین امر موجب می‌شود بسیاری از افراد به‌جای استفاده از خدمات تأمین اجتماعی به سایر روش‌ها متوسل شوند. درواقع، با وجود قوانین حمایتی، عدم اجرای صحیح و نظارت کافی بر آن‌ها به تخلفات و فرار بیمه‌ای می‌انجامد. همچنین نبود سامانه‌های هوشمند و روندهای اجرایی ضعیف می‌تواند به عدم شفافیت و مشکلات بیشتری برای بیمه‌شدگان منجر شود. شرایط محیط کاری نیز باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد. ناپایداری امنیت شغلی، مشاغل غیررسمی و عدم شفافیت در واریز بیمه‌نامه‌ها توسط کارفرمایان، از عواملی هستند که به فرار بیمه‌ای دامن می‌زنند؛ برای مثال، کارگری که در دو محیط مختلف کار می‌کند، اما فقط از یک بیمه بهره‌مند است، به‌صورت طبیعی احساس می‌کند که از حقوق خود به‌درستی برخوردار نیست. همچنین پرداخت‌های غیررسمی و نبود مدارک مستند از سوی کارفرما، اثبات رابطه کاری را برای کارگران دشوار می‌سازد. این موارد همگی درنهایت به احساس بی‌اعتمادی به سیستم تأمین اجتماعی دامن می‌زند و کارگران را به سمت فرار بیمه‌ای سوق می‌دهد. این یافته‌ها هم‌راستا با نتایج پژوهش سرگلزایی و همکاران (۱۴۰۳) است که دریافتند تخلف سازمانی، ناپایداری مشاغل و عدم شفافیت ساختاری در سرپیچی از قوانین بیمه مؤثر است. در بعد اجتماعی، بی‌اعتمادی به تأمین اجتماعی و احساس تبعیض در بین افراد می‌تواند رغبت آنان به استفاده از خدمات بیمه‌ای را کاهش دهد. کارگران بسیاری به‌دلیل نگرش‌های منفی به تأمین اجتماعی و سوءاستفاده‌های احتمالی کارفرمایان از اتباع خارجی و فرزندان کارمندان، به این نتیجه می‌رسند که بیمه‌گذاری به نفع آن‌ها نیست. همچنین انتظارات پایین از سازمان‌های تأمین اجتماعی در زمینه اطلاع‌رسانی و شفافیت موجب می‌شود که کارگران و کارکنان به مزایای بیمه بی‌اعتماد شوند. این بی‌اعتمادی خود می‌تواند به احساس تبعیض و بی‌عدالتی منجر شود و درنهایت فرار بیمه‌ای را افزایش دهد. یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج الهیاری (۱۴۰۳) که سودجویی و منفعت‌طلبی را از عوامل مهم فرار بیمه‌ای تلقی می‌کند منطبق است. سرانجام، بعد

اقتصادی به‌عنوان عامل دیگری در این زمینه مطرح می‌شود. در شرایط رکود اقتصادی و بیکاری فراوان در جامعه، کارگران به دلیل نداشتن پایگاه اقتصادی مناسب، به دنبال کاهش هزینه‌ها و در نتیجه فرار بیمه‌ای هستند. حقوق ناکافی و هزینه‌های گزاف بیمه، به‌ویژه در شرایطی که درآمد کارفرمایان نیز کاهش یافته، کارگران را به اتخاذ تصمیماتی در راستای عدم بیمه‌گذاری تشویق می‌کند. بحران‌های اقتصادی و تورم نیز از عواملی هستند که می‌توانند به فرار بیمه‌ای منجر شوند و این چرخه معیوب را تشدید کنند. کستندا (۲۰۱۹) در تحقیق خود بر اثرگذاری شرایط اقتصادی و مالی بر میزان فرار بیمه‌ای تأکید دارد. به این ترتیب یافته‌های او با نتایج تحقیق حاضر همسو است. به‌طور خلاصه، فرار بیمه‌ای معضلی پیچیده است که ریشه در ابعاد مختلف فردی، سیاسی، محیط کاری، اجتماعی و اقتصادی دارد. تحلیل هم‌زمان این ابعاد و تعاملات میان آن‌ها می‌تواند کمک کند تا راهکارهای مؤثرتری برای مقابله با این پدیده و تقویت نظام تأمین اجتماعی ارائه دهیم. حضور فعال دولت، بهبود قوانین و تأسیس ساختارهای شفاف و کارا می‌تواند به‌عنوان گام‌های بنیادی در این مسیر مطرح شود؛ چنان‌که هدف تحقیق حاضر نیز بررسی عوامل مختلف نه صرفاً از منظر ذی‌نفعان، بلکه از دیدگاه تمامی طیف‌های جامعه بوده است که به‌نوعی با فرایند بوروکراسی بیمه در ارتباط هستند.

مأخذ مقاله: مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی علل فرار بیمه‌ای کارفرمایان (دستمزدی و کارکردی)»، کارفرما موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اله‌یاری، حمیدرضا، کرمانی، مهدی و ایمانیان اردبیلی، مسعود (۱۴۰۳). تحلیل کیفی پدیده فرار بیمه‌ای: سودجویی کوتاه‌مدت ذی‌نفعان و ناپایداری بلندمدت در تولید رفاه اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، ۲۴ (۹۲)، ۳۱۸-۲۷۷. <https://doi.org/10.32598/refahj.24.92.4159.1>
- بدلی‌وند، مجید، کریمیان، حبیب‌اله و فتحی، سروش (۱۴۰۰). عملکرد سازمان تأمین اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی. *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، ۱۳ (۲)، ۵۲-۳۷.
- بخشی، قدیر، عشایری، طاهار، جهان‌پرور، طاهره و باقری، سمیرا (۱۴۰۲). مطالعه عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۴۰۰. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۴ (۵۳)، ۱۱۲-۹۱. <https://doi.org/10.30495/jzv.2023.30904.3897>
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۴). *برنامه راهبری سازمان تأمین اجتماعی*.
- حیدری، علی (۱۴۰۲). *سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- رضایی‌زاده، محمدجواد و درویشوند، ابوالفضل (۱۳۹۳). تأملی بر برخی از بایسته‌های تصمیم‌گیری اداری شخصی در پرتو آرای شعب دیوان عدالت اداری. *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۳ (۸)، ۱۱۵-۱۳۴.
- درویشی، اکبر، بارانی، محمد، و بختیاری، تقی. (۱۳۹۱). بررسی علل جرم در حاشیه شهر ساری و راهکارهای پیشگیری از آن. *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۱۳ (۴۷)، ۲۸-۹. <https://doi.org/10.22034/ssyj.2023.1925420.1176>
- روزبه، رضا (۱۳۹۷). بررسی علل ارتکاب جرم در نظام کیفری. *قانون‌یار*، ۲ (۷)، ۹۷-۱۱۰.
- سرگلزایی، علیرضا، منوچهری، سحر و خدادادی میدانی، حمیدرضا (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت‌بندی تقلب‌ها و تخلف‌های بیمه‌ای و پیشایندهای مؤثر بر آن‌ها در حوزه بیمه‌های تکمیلی درمان: مطالعه در بیمه دانا استان سیستان و بلوچستان. *فصلنامه مطالعات مدیریت و توسعه پایدار*، ۳ (۲)، ۴۵-۷. <https://doi.org/10.30495/msds.2023.1974706.1105>
- قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۸). تحلیلی کیفی از بزهکاری یقه‌سفیدها: فهم زمینه‌ها و انگیزه‌ها. *مسائل اجتماعی/ایران*، ۱۰ (۱)، ۲۳۸-۲۱۷.

طوسی، عباس و کاشانی، جواد (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی-اقتصادی حق بیمه‌های پیمانکاری‌ها؛ نقدی بر رویه سازمان تأمین اجتماعی و دیوان عدالت اداری. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۹ (۵۵)، ۲۹-۵۹. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2017.7777>

میرزایی، بهروز، محمدی، اصغر و نوربخش، مهرداد (۱۴۰۳). شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر تخلفات بیمه شخص ثالث در بین کارکنان شرکت‌های بیمه. *پژوهشنامه بیمه*، ۱۳ (۳)، ۲۷۴-۲۵۵. <https://doi.org/10.22056/ijir.2024.03.05>

نایی، هوشنگ، مؤیدفر، سعید، سراج‌زاده، سید حسین و فیضی، ایرج (۱۳۹۶). تئوری آنمی دورکیم و مران؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری. *رفاه اجتماعی*، ۱۷ (۶۶)، ۹-۵۲.

نصرالهی وسطی، لیلا و جلیلود، محمدرضا (۲۰۲۳). نقد و بررسی نظریه سرمایه اجتماعی کلمن بر مبنای معیارهای سنجش معرفت اجتماعی. *معرفت فرهنگی-اجتماعی*، ۵۵ (۱۴)، ۸۳-۹۸.

- Allahyari, H, Kermani, M & Imanian Ardebili, M (2014). Qualitative analysis of the phenomenon of insurance escape: short-term profit-seeking of beneficiaries and long-term instability in the production of social welfare. *Social Welfare*, 24(92), 277-318. (In Persian) <https://doi.org/10.32598/refahj.24.92.4159.1>
- Badlivand, M, Karimian, H & Fathi, S (2011). The performance of the Social Security Organization in achieving social justice. *Iranian Social Development Studies*, 13(2), 37-52. (In Persian)
- Bakhshi, Gh, Ashayeri, T, Jahanparvar, T & Bagheri, S (2013). Study of factors affecting women's addiction: A meta-analysis of research from 1388 to 1400. *Journal of Women and Society*, 14(53), 91-112. (In Persian) <https://doi.org/10.30495/jzv.2023.30904.3897>
- Boyer, M., & Peter, R. (2020). Insurance fraud in a rothschild–stiglitz world. *Journal of Risk and Insurance*, 87(1), 117-142. <https://doi.org/10.1111/jori.12264>
- Castañeda, N., Doyle, D., & Schwartz, C. (2020). Opting out of the social contract: Tax morale and evasion. *Comparative Political Studies*, 53(7), 1175-1219. <https://doi.org/10.1177/0010414019879956>
- Darvishi, A., Barani, M., & Bakhtiari, T. (2022). Investigating the causes of crime in the periphery of Sari and ways to prevent it. *Sociological Studies of Youth*, 13(47), 9-28. <https://doi.org/10.22034/ssyj.2023.1925420.1176> (In Persian)
- Ghorchibeigi, M (2019). A qualitative analysis of white-collar crime: understanding contexts and motivations. *Iranian Social Issues*, 10(1), 217-238. (In Persian)
- Heydari, A (2022). General Social Security Policies. First edition. Tehran: Higher Institute for Social Security Research. (In Persian)
- Ivanchuk, N., & Kharchuk, Y. (2017). Administrative Expenditures of Social Security Funds in Ukraine. *Baltic Journal of Economic Studies*, 3(5), 157-161. <https://doi.org/10.30525/2256-0742/2017-3-5-157-161>
- Le, T. N., Le, L. H., Duong, B. T., Nguyen, T. H., Tran, V. T. T., Thanh, T., & Nguyen, T. (2022). Factors affecting the social insurance compliance of enterprises in Vietnam. *International Journal of Advanced and Applied Sciences*, 9(6), 145-153. <https://doi.org/10.21833/ijaas.2022.06.019>
- Mirzaei, B, Mohammadi, A & Nourbakhsh, M (2014). Identifying organizational factors affecting third-party insurance violations among insurance company employees. *Insurance Research*, 13(3), 255-274. (In Persian) <https://doi.org/10.22056/ijir.2024.03.05>
- Naibi, H, Moayedfar, S, Serajzadeh, H & Feizi, I (2017). Durkheim and Meran's anemia theory; similarities, differences and measurement methods. *Social Welfare*, 17(66), 9-52. (In Persian)
- Nasrollahi, L & Jalilvand, M (2023). Criticism and study of Coleman's social capital theory based on social knowledge measurement criteria. *Cultural-Social Knowledge*, 55(14), 83-98. (In Persian)
- Nguyen, K. D., Tran, V. A., & Nguyen, D. T. (2021). Social insurance reform and absenteeism in Vietnam. *International Journal of Social Welfare*, 30(2), 193-207. <https://doi.org/10.1111/ijsw.12449>
- Palacios, R. J., & Robalino, D. A. (2020). Integrating Social Insurance and Social Assistance Programs for the Future World of Labor. *IZA Discussion Paper Series No. 13258*. Bonn, Germany.

- Rezaeizadeh, M & Darvishvand, A (2014). A reflection on some of the requirements of personal administrative decision-making in light of the opinions of the branches of the Administrative Court of Justice. Quarterly Journal of Public Law Knowledge, 3(8), 115-134. *(In Persian)*
- Roozbeh, R (2018). Investigating the causes of committing crimes in the penal system. Qanuniyar, 2(7), 97-110. *(In Persian)*
- Sargolzaei, A, Manouchehri, S Khodadadi Maydani, H (2013). Identifying and prioritizing insurance fraud and violations and their antecedents in the field of supplementary health insurance: A study in Dana Insurance in Sistan and Baluchestan Province. Journal of Management and Sustainable Development Studies, 3(2), 7-45. *(In Persian)* <https://doi.org/10.30495/msds.2023.1974706.1105>
- Social Security Organization (2015). Social Security Organization Leadership Program. *(In Persian)*
- Tusi, A & Kashani, Javad (2017). Legal-economic analysis of insurance premiums for contractors; a critique of the procedure of the Social Security Organization and the Administrative Court of Justice. Public Law Research, 19(55), 29-59. *(In Persian)* <https://doi.org/10.22054/qjpl.2017.7777>
- Xu, J., Zhu, M., Song, S., & Wu, Y. (2022). Does government institutional reform deter corporate tax evasion? Evidence from China. *Plos One*, 17(12). <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0273372>